



تذکره



فوتوفن

یکی مثل ما

پرونده



چگونه پول‌های مان را به باد ندهیم؟

نودون چهارتا

ریحانه اوسطی

نوجوانه



سواد مالی به زبان عامیانه‌اش یعنی دقیقا همان چیزی که در روتینر خواندید. چگونه پول‌های مان را به باد ندهیم؟ شما را نمی‌دانم اما من یکی که همیشه در این ماجرایک پایم می‌لنگید. مثلا از همان طفولیت که پول تو جیبی می‌گرفتم، همیشه به دهم یازدهم ماه نرسیده کل پول را صرف بستنی و یخ‌مک و چیپس می‌کردم و هیچ وقت آن پول به آخر ماه نمی‌رسید

و مجبور می‌شدم مانند گربه شرک جلوی پدرم بنشینم تا دوباره پول در جیب‌هایم بگذارد. البته این که هیچ‌گاه در مدرسه در کنار معادلات و معنای واژه‌های ۵۰۰ سال پیش، به ما نیا موختند چگونه پس‌انداز داشته باشیم هم، مؤثر بوده و هست. هیچ وقت کسی به ما یاد نداد چگونه همان اندک پولی که با زحمت از شایب‌اش‌های عروسی و عیدی‌های مان به دست می‌آوریم را چه کنیم؟ نهایت استراتژی خانواده‌های مان اول این بود که مادرها

هنوز پول را لمس نکرده از ما می‌گرفتند تا مثلا برای آینده‌مان کنار

بگذارند. القصه که حالا که کمی بزرگ‌تر شدیم، باید

بدانیم یا این اسکناس‌های دوست‌داشتنی

چگونه برخورد کنیم. امروز و اینجا قرار

است ترفندهایی یاد بگیریم که

آخر ماه هنوز چند هزار

تومانی ته کوله‌مان

پیدا بشود.

افراط و تفریط

این که بتوانیم از زندگی لذت ببریم خیلی شیرین است اما بعضی‌ها به امید این که دنیا دورور است، همه پول‌های شان را خرج می‌کنند و حواس شان به روزمباد نیست. بعد باید در روز دوم زندگی دست‌شان را خدای ناکرده جلوی دیگران دراز کنند. یعنی اصلا پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری نمی‌کنند و همان پولی که با هزار زحمت درمی‌آورند را خرج می‌کنند و به حال آن سمت این خط، افرادی هستند که زیادی دنیا را جدی گرفته‌اند و به «همین رونصف قیمت فلان جا داره، بریم». خلاصه که وقتی شش در جیب‌تان است، برند بخريد. نه پول هایتان را آن قدر سفت بچسبید که انگار قرار است آنها رو قیامت نجات‌تان بدهند!

قطره قطره...

از لزوم پس‌انداز داشتن صحبت کردیم اما صرف پس‌انداز کافی نیست. باید مبلغی از پول‌تان را سرمایه‌گذاری کنید. بحث سرمایه‌گذاری خیلی مفصل و تخصصی است و من هم تخصصی ندارم که برای‌تان بالای منبر بروم اما این روزها بازارهای سرمایه‌گذاری تادل‌تان بخواد، هست. از بازار قدیمی و بورس بگیر تا این که کدام را برای بیشتر شدن پول‌تان میان این همه خوبان برگزینید، به خودتان و شخصیت‌تان و این که چقدر ریسک‌پذیر هستید، برمی‌گردد اما پیشنهاد می‌کنم حتما یک راه را انتخاب کنید. زندگیا نه هر کدام از میلیاردهای جهان را بخوانی؟ می‌بینی که چقدر بر پول روی پول گذاشتن تاکید دارند. فقط حواس‌تان باشد که همه تخم‌مرغ‌های‌تان را در یک سبد نگذارید و پول‌های‌تان را قمار نکنید، درگیر سایت‌های لجن شرط‌بندی و... نشوید که عاقبتش آه است و آه...!

کار یاد بگیر تا کامروا شوی!

این روزها فرای درس، مدرسه و علم آموزی که البته بسیار هم مهم است، نیاز است که مهارت‌آموزی کنیم و برای خودمان یک منبع درآمدی دیگر هم درست کنیم. مثلا شما عاشقانه زبان فرانسوی را دوست می‌دارید، پس سعی کنید در کنار مدرسه این زبان را کامل فرا بگیرید تا در آینده اگر روزی دنیا بر وفق مرادتان پیش نرفت و نشد که آن ایده‌آل ذهنی‌تان رخ بدهد، هنوز راه‌هایی برای گذران زندگی داشته باشید یا مثلا شما به بافتن عروسک، برنامه‌نویسی، آشپزی، خطاطی، نقاشی و... علاقه دارید پس حتما در کلاس‌هایش شرکت کنید و روش‌های کسب درآمد از هنرتان را فرا بگیرید که این مهارت‌ها علاوه بر این که به شخصیت و عیار شما می‌افزاید، همیشه مثل چرخ زاپاس ماشین در صندوق عقب زندگی‌تان است و هر زمان چرخ‌های‌تان خراب شد و کم باد، می‌توانید از آن استفاده کنید.

آشتی با بودجه‌بندی

در وهله اول باید یک دفترچه، ترجیحا رویش یک جمله انگیزشی نوشته شده باشد، برای پول‌های‌تان داشته باشید. اول دریافتی‌های‌تان را جمع بزنید. مثلا ۱۰۰ هزار تومان پول تو جیبی می‌گیرید، ۵۰ هزار تومان هم قرار است از این که به دوست‌تان ریاضی یاد داده‌اید، به زور بگیرید و ۲۰ هزار تومان هم از اتو کردن لباس‌های خانواده به دست می‌آورید. حالا شما ۱۰۷ هزار تومان دریافتی دارید. مورد بعدی که باید محاسبه کنید اول مبلغی که مثلا ماه پیش برای بستنی و پفک نمکی به دوست‌تان بدهکار هستید را کنار بگذاریم. بعد بیاییم خرج‌های‌مان را جمع بزنیم. خرج‌های ثابت و متغیرمان. مثلا پولی که همراه به تاکسی می‌دهیم، ثابت است و پولی که این ماه برای تولد غلام، دوست‌تان می‌خواهید، متغیر است. حالا هرچه ماند، باید پس‌انداز بشود.

بیانو مسیر

دهن کوسه نیفتی!

همان طور که عرض کردم، اولین پولی که باید هر ماه کنار بگذارید، بدهی‌های‌تان است. حتی اگر شده از پس‌انداز ماه پیش‌تان بزنید و بدهی را پرداخت کنید این کار را انجام بدهید و پولی که گرفتید یا قسط‌هایی که دارید را اصلا پشت گوش نیندازید. در همان ابتدا آن مقدار پول را کسر شده از درآمدتان در نظر بگیرید. چون ممکن است روزی برسد که این بدهی‌ها روی هم جمع بشود و خدای ناکرده بالباس‌های راه‌راه پشت میله‌ها بروید. ممکن است الان بدهی‌های‌مان در حد همان دنگ کافه باشد ولی اگر این کار را یاد نگیریم، در آینده وقتی خیلی جدی وارد بازار کار شدیم به مشکل خواهیم خورد. اصلا می‌خواهم بگویم تا حد امکان سعی کنیم دستی نگیریم و خودمان را به قول قدیمی‌ها در قرض و قولة نیندازیم. البته نمی‌خواهم بگویم حتی اگر برای‌تان پول گرفتن ضروری بود، این کار را نکنید. بالاخره همه ما ممکن است در شرایطی بیفتیم که نیاز به دست یاری پیدا کنیم و کمک گرفتن اصلا چیز بدی نیست.

آموزش بخر

اگر در زندگی به اصطلاح خربول‌های دنیا سرک بکشی، یکی از مهم‌ترین نکته‌هایی که به چشم می‌آید و خودشان هم در مصاحبه‌ها و حرف‌های‌شان به آن اشاره می‌کنند، آموزش دیدن است. به خصوص در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و سواد مالی! اگر در این زمینه‌ها آموزش ببینید، باعث می‌شود ماه‌های بعد پول بیشتری در بیاورید و در واقع همان بودجه‌ای که صرف آموزش دیدن کرده‌اید، چند برابر به شما برگردد. پس هیچ‌گاه از پول دادن برای آموزش‌های مفید و به درد بخور ابایی نداشته باشید و گمان نکنید که پول‌های‌تان را دود هوا کرده‌اید. با ذره‌بین به دنبال آموزش‌های خفن و پولساز بگردید. حالا گاهی ممکن است این آموزش یک کتاب خوب باشد، یک سری ویدئو ارزشمند یا همنشینی با استاد ی باسواد. هر چه که باشد و به دانش و سواد شما بیفزاید، قطعا مفید و خوب است.

